



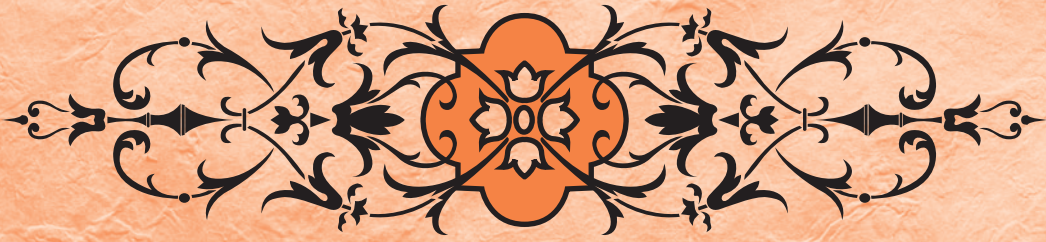
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



كفاية الطّب

كتاب اول

ابوالفضل حبيش التفليسي



مقدمه، تصحيح و تعليقات : زهرا پارساپور



انتشارات نغیراردہال



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۳۹۹



انتشارات سفیر اردهال



پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

کفایة الطب (کتاب اول)

مؤلف: ابوالفضل حبیب‌التفلیسی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر زهرا پارساپور

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۰، چاپ دوم: ۱۳۹۹

حروف چین و صفحه‌آرا: شهرام محمدی، شهره خوری، منصور عیوضی اینانلو

طرح جلد: مجید اکبری کلی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت دوره: ۴۸۰،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: تفلیسی، حبیب‌بن ابراهیم، - ۶۲۹ق.

عنوان و نام پدیدآور: کفایة الطب / ابوالفضل حبیب‌التفلیسی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات زهرا پارساپور.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲ ج.؛ نمونه: ۲۱/۵×۳۰ س.م.

فروست: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۲۲-۹۰.

شابک: دوره: ۴-۴۸۹-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۱: ۰-۴۸۷-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۲: ۲-۴۸۸-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: پزشکی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: پزشکی سنتی

شناسه افزوده: پارساپور، زهرا، ۱۳۴۴ - مصحح، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۷ک۷/۳/۱۲۸R

رده بندی دیویی: ۶۱۰/۹۱۷۶۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۷۹۲۲۲

به استاد علم و اخلاق
دکتر محمد مهدی اصفهانی
که این کتاب حاصل اخلاص و دانش اوست



فهرست

پیشگفتار استاد دکتر محمد مهدی اصفهانی.....سیزده	پیشگفتار مصحح.....هفده
شخصیت و آثار حبیب التفلیسی بیست و یک	محتوای کفایه الطب.....بیست و دو
ساختار کفایه الطب.....بیست و سه	آثار دیگر حبیب التفلیسی.....بیست و هفت
معرفی نسخه ها.....بیست و هشت	روش تصحیح متن.....سی و یک
ویژگی های سبکی نسخه A.....سی و سه	نکات دستوری.....سی و سه
نکات نگارشی و املائی نسخه A.....سی و چهار	علائم نگارشی.....سی و شش
چند تصویر و نمایه از نسخه A.....چهل	
در شناختن آمیزش های تن و طبع و منفعتشان ۱۷	
در شناختن تن مردم و آفرینش وی..... ۱۸	
پیدا کردن پنج حواس مردم ۳۰	
نگاه داشتن تن درستی را ۳۰	
و اما طعام خوردن را ۳۱	
و اما خفتن و بیداری را ۳۳	
و اما طبع را نرم داشتن..... ۳۳	
و اما جماع کردن را ۳۳	
و اما تن مالیدن را ۳۴	
و آهک کردن را..... ۳۴	
و اما ریاضت کردن را ۳۴	
و اما قی کردن را ۳۵	
و اما دارو خوردن را ۳۵	
و اما رگ زدن را ۳۶	
و اما حجامت کردن را ۳۷	
و اما دیوچه برنهادن را ۳۷	
اما تدبیر سفر کردن را ۳۸	
اما به کشتی نشستن را ۳۸	
اما نگاه داشتن فرزند خرد ۳۸	
در شناختن علم مجسه ۴۰	
دیبچه ۱	
فهرست مطالب ۳	
در آموختن علم طب و فضیلت آن ۱۳	
دانستن حد طب و قسمت هایش ۱۵	
اندر شناختن مزاج و طبیعت ۱۶	

کتاب اول

- در شناختن آب تاختن ۴۲
- و اما شناختن غایط ۴۵
- در شناختن بحران بیمار و عرق آمدن ۴۶
- علامت‌های شفا و خطر بیماری ۴۸
- نشان مقدمات بیماری ها ۴۹
- باب اندر شناختن حال هواها و شهرها ۵۰
- دانستن گردش چهار فصل ۵۲
- یاد کردن دردهای مغز و سر**
- در کلام کلی در علت‌های چیرگی و فساد آمیزش‌های تن و علامت‌های آن ۵۴
- سیوسه سر که به تازی او را حزاز خوانند ۵۶
- ریش‌های سر که به تازی آن را سعه خوانند ۵۷
- اندر موی ریختن سر که اصلی خوانند ۵۸
- اندر شکافتن موی و بی هنگام سپید شدن ۵۹
- داء الثعلب و داء الحیه که هر دو علت از یک نوع بود ۶۰
- درد سر که از گرمی بود یا از سردی ۶۱
- درد سر که از تری باشد یا از خشکی ۶۲
- درد سر که از خون باشد یا از بلغم ۶۳
- درد سر که از صفرا باشد یا از سودا ۶۴
- درد سر که از بادهای سرد باشد یا گرم ۶۵
- درد سر که از آماس پرده‌های مغز باشد ۶۶
- درد سر که به تازی او را بیضه خوانند ۶۷
- درد سر که از زخمی باشد یا از استفراغ یا از بوی ها ۶۸
- درد سر که از خمار سیکی باشد یا از بحران بیماری ۶۹
- درد سر که از گرمی یا از سستی معده بود ۷۰
- درد سر کز گرمی بود یا از سردی ۷۱
- سرگشتن که به تازی دوار خوانند ۷۲
- سدر که از گرمی باشد یا از سردی ۷۳
- سرسام که از گرمی باشد یا از سردی ۷۴
- علت سبات و سباتی که سهری خوانند ۷۵
- شخوص و جمود و این هر دو علت از سردی باشد ۷۶
- اندر مالیحولیا که به پارسی دیوانگی خوانند ۷۷
- قطرب و مانیا ۷۸
- اندر بی‌خوابی و وسوسه بسیار ۷۹
- عشق و سواسی بود که به دیوانگی ماند ۸۰
- اندر فراموشی و یاد نداشتن ۸۱
- کابوس که به خواب اندر گیرد ۸۲
- باد افکندن که به تازی آن را صرع خوانند ۸۳
- باد افکندن که از سودا یا از بادهای سرد بود ۸۴
- اندر علت سکتته که ناگهان بگیرد ۸۵
- فالج از دو گونه بود یا از زخم یا از بلغم ۸۶
- سستی اندام‌ها که به تازی استرخا خوانند ۸۷
- خفتگی اندام که به تازی آن را خدر خوانند ۸۸
- کژ شدن روی که به تازی آن را لقوه خوانند ۸۹
- تشنج آن باشد که اندام چون چوب خشک باشد ۹۰
- کزاز و امتداد هر دو نوعی باشد از تشنج ۹۱
- لرزه اندام که آن را به تازی رعشه خوانند ۹۲
- یاد کردن درد چشم و پلک‌هایش**
- گر و خارش که در برک چشم افتد ۹۳
- برد و تحجر و شعیره هر سه علت در برگ چشم افتد ۹۴
- اندر شتره [و] گرفتن برک چشم بر یکدیگر ۹۵
- سعه و وردینه و افزونی مژه ریختن او ۹۶
- کمنه و توتّه و مژه ریختن ۹۷
- سَلَع و سَرناق و سَلاق هر سه علت در برک چشم افتد ۹۸

- غده و عُرب و شُبُّس و قُمقام که در مژه افتد..... ۹۹
- درد چشم از چیرگی خون باشد یا بلغم..... ۱۰۰
- درد چشم کز چیرگی صفرا بود یا سودا..... ۱۰۱
- طرفه و ناخنه چشم و طرفه زخمی باشد که بر چشم آید..... ۱۰۲
- ریشه‌های چشم و دمیدگیها که آن را بثور خوانند..... ۱۰۳
- سبل و آب دویدن از چشم که آن را دمع خوانند..... ۱۰۴
- آبله و دَقَه چشم و سپیدی که در دیده افتد..... ۱۰۵
- سرطان و دبيله و ریم که از پس پرده دوم بود..... ۱۰۶
- بیرون خاستگی چشم یا به تمامی یا به اندکی از وی..... ۱۰۷
- فراخ و تنگ شدن سوراخ چشم..... ۱۰۸
- انتشار به تازی فراخ شدن دیده را خوانند..... ۱۰۹
- ضعیفی دیدار کز گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۰
- آغاز فرو آمدن آب اندر چشم..... ۱۱۱
- اندر شب کوری و روز کوری..... ۱۱۲
- یادکردن دردهای گوش و بینی**
- درد گوش که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۳
- دمیدگی گوش و آماس که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۴
- آب که اندر گوش باشد یا جنبنده..... ۱۱۵
- ریش های گوش و خون و ریم آمدن از وی..... ۱۱۶
- بانگ آمدن از گوش و بادها که اندرو باشد..... ۱۱۷
- کری و گرانی گوش که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۸
- ریش های بینی و دمیدگیها که اندرو باشد..... ۱۱۹
- بوی نایافتن بینی که از گرمی بود یا از سردی..... ۱۲۰
- گند بینی و ناصور که اندرو باشد..... ۱۲۱
- اندر خون آمدن از بینی..... ۱۲۲
- زکام و نزله که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۳
- یاد کردن درد دهان و دندان**
- دمیدگی و شکافتن لب و آماس و باسور که اندرو باشد..... ۱۲۴
- درد دندان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۵
- خوردگی دندان و جنبیدن و افتادن بی سببی..... ۱۲۶
- کند شدن و خون آمدن از بن دندان و سیاهی وی..... ۱۲۷
- آماس گوشت دندان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۸
- درد دهان و دمیدگیها که اندر وی پدید آید..... ۱۲۹
- بوی گند دهان که به تازی ابخر خوانند..... ۱۳۰
- آب رفتن از دهان به وقت خفتگی..... ۱۳۱
- آماس زبان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۳۲
- دمیدگی زبان که به تازی آن را قلاع خوانند..... ۱۳۳
- چاشنی زبان که از طبع بگردد آن را تَغییر الذَّوق گویند..... ۱۳۴
- ریشی زبان و گرانی و سستی اندر وی..... ۱۳۵
- کام فرود آمدن که از گرمی یا از سردی بود..... ۱۳۶
- آماس کام فرود آمدن دو بادامه که به تازی لوزتین گویند..... ۱۳۷
- یاد کردن دردهای سینه، گلو و شش**
- آماس گلو که به تازی خناق خوانند..... ۱۳۸
- درد گلو که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۳۹
- دیوچه یا استخوان که اندر گلو بماند..... ۱۴۰
- خون آمدن از گلو یا آن که با قی برآید..... ۱۴۱
- سرفه که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۴۲
- سرفه که از تری باشد یا از خشکی..... ۱۴۳
- رَبُو که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۴۴
- آماس شش که آن را به تازی ذات الرِّیه خوانند..... ۱۴۵
- ریش شدن شش که آن را به تازی سل خوانند..... ۱۴۶
- یاد کردن درد پهلوی و دل**
- آماس پهلوی که آن را ذات الجنب خوانند..... ۱۴۷
- برسام که عرب آن را شوصه خواند..... ۱۴۸

- درد دل که از گرمی و خشکی باشد یا از تری و سردی ۱۴۹
- کوبه دل که عرب آن را خفقان خوانند ۱۵۰
- بیهش شدن که آن را به تازی غشی خوانند ۱۵۱
- یاد کردن درد معده**
- ناگواری طعام که از گرمی باشد یا از سردی ۱۵۲
- بدگواری و ضعف معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۵۳
- طعام آرزو ناکردن که از جهت معده باشد ۱۵۴
- طعام آرزو ناکردن که از جهت خلطی بود که در معده گرد آید ۱۵۵
- سیر ناشدن طعام که آن را شهوت کلییه خوانند ۱۵۶
- گل خوردن و گچ و شوره دیوار و کلوخ ۱۵۷
- جستن دهن معده که آن را وجع الفواد خوانند ۱۵۸
- تشنگی و آب خوردن بسیار ۱۵۹
- هیضه و برجیه که آن را به تازی تخمه خوانند ۱۶۰
- ذرب شکم رفتنی باشد که دراز کشد ۱۶۱
- زلق الامعا و زلق المعده هر دو شکم رفتن بود ۱۶۲
- منش گشتن که آن را به تازی غثیان خوانند ۱۶۳
- اندر خون برآوردن از معده ۱۶۴
- قی کردن تنها که بی شکم رفتن باشد ۱۶۵
- آروغ بسیار که اندر معده افتد ۱۶۶
- اندر فواق که به پارسی زغند خوانند ۱۶۷
- درد معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۶۸
- آماس معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۶۹
- ریشی معده و خون یا شیر که اندر معده فسرده باشد ۱۷۰
- خیو انداختن بسیار و تری کاندن دهن گرد آید ۱۷۱
- درد جگر که از گرمی باشد یا سردی باشد ۱۷۲
- یاد کردن درد جگر و سپرز**
- آماس جگر که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۳
- آماس جگر که از [بستگی] راه های او باشد یا از بلغم سطریر یا لیز ۱۷۴
- استسقا که به پارسی وی را آماس شکم خوانند ۱۷۵
- استسقای لحمی و آنچه از پس گرمی با تب باشد ۱۷۶
- زریب زرد و سیاه که به تازی وی را یرقان خوانند ۱۷۷
- درد سپرز که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۸
- آماس سپرز که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۹
- خون آمدن از شکم که از جگر باشد و او را ذوسنطاریا گویند ۱۸۰
- یاد کردن درد روده و مقعد**
- خون آمدن از شکم کز ریشی روده بود و او را سحج خوانند ۱۸۱
- زحیر که از گرمی باشد یا از سردی ۱۸۲
- مغض علتی بود که روده را همی گزد به دروغی ۱۸۳
- قولنج دردی باشد در روده قولن ۱۸۴
- ایلاوس نوعی باشد از قولنج و او را رب ارحم خوانند ۱۸۵
- کرم دراز و خرد و کدو دانه ۱۸۶
- باسور یا توتئه که در مقعد باشد ۱۸۷
- ناصرور یا کوفتگی که در مقعد باشد ۱۸۸
- ریشی مقعد یا سر رگی درو گشاده ۱۸۹
- آماس مقعد و سستی و بیرون آمدن و خارش وی ۱۹۰
- یاد کردن درد گرده و مثانه**
- درد گرده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۹۱
- آماس گرده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۹۲
- ریشی گرده و خون و ریم آمدن از سر قضیب ۱۹۳
- سنگ باریک که اندر گرده باشد ۱۹۴
- چکیدن آب تاختن که به تازی سلس البول خوانند ۱۹۵
- بستگی آب تاختن که به تازی عسر البول خوانند ۱۹۶
- بیرون آمدن آب تاختن بی خواست مردم ۱۹۷
- آماس مثانه که از گرمی باشد و یا از سردی ۱۹۸

درد پیوندهایی که به تازی وجع المفاصل خوانند..... ۲۲۳
 درد نقرس که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۲۴
 دوالی و داء الفیل هر دو علت در پای افتد..... ۲۲۵
 شکافتگی دست و پای و سرمازدگی..... ۲۲۶
 ناخن خوار و رشته کز پای بیرون آید..... ۲۲۷

یاد کردن علتها که بیرون پوست تن پدید آید

در کلف و برش و نمش و کنجده..... ۲۲۸
 قوبا وتوئه و شیرینه که به تازی وی را شری خوانند..... ۲۲۹
 گر تر و خشک و خارش که اندر تن پدید آید..... ۲۳۰
 خوی آمدن بسیار از تن و نامدن وی..... ۲۳۱
 شپش و رشک و قمقام که اندر بن موی افتد..... ۲۳۲
 پیسی و بهق سپید و سیاه که به پارسی وی را خون آزمای خوانند..... ۲۳۳
 آتش پارسی و دمیدگی که به تازی بثور خوانند..... ۲۳۴
 گندمه که به تازی وی را ثلول خوانند و مردری که وی را حصف
 خوانند..... ۲۳۵
 آبله را به تازی جدری خوانند و سرخیجه..... ۲۳۶
 جمره آماسی بود و خوره ریشی باشد که اندام را خورد..... ۲۳۷
 جذام دو نوع باشد یا از صفرای سوخته بود یا از سودای تیز..... ۲۳۸
 تباهی گونه و تیرگی روی کز آفتاب و باد بود..... ۲۳۹

در آماسها که بیرون تن باشد

آماس گرم که از خون باشد یا از صفرا..... ۲۴۰
 آماس سرد که از بلغم باشد یا از سودا..... ۲۴۱
 سرطان دو گونه باشد یکی سخت بود و یکی ریش..... ۲۴۲
 خوک و سلع که اندر اندام پدید آید..... ۲۴۳
 طاعون و دیبله که در اندام پدید آید..... ۲۴۴
 دنبل و گاورسه و بادبله که اندر تن پدید آید..... ۲۴۵

یادکردن تبهای گرم و سرد

ریشی مthane و سنگ اندر وی..... ۱۹۹

یاد کردن درد قضیب

برخاستن قضیب بی شهوت جماع..... ۲۰۰
 سستی قضیب و بیرون آمدن آب پشت بی لذتی..... ۲۰۱
 آماس قضیب که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۲
 سوختن قضیب که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۳
 آرزو نا کردن جماع کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۴
 آماس خایه که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۵
 باد فتق که اندر زهار باشد یا در خایه..... ۲۰۶

یاد کردن درد زهدان و پستان

بستگی زهدان که او را اختناق الرحم خوانند و او مانند صرع بود..... ۲۰۷
 گشادن حیض که به تازی وی را نرف خوانند..... ۲۰۸
 باز بستن حیض که به تازی وی را احتباس الطمث خوانند..... ۲۰۹
 آماس زهدان کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۱۰
 ریشی زهدان و سرطان که اندر وی بود..... ۲۱۱
 دمیدگی باصور که اندر زهدان بود..... ۲۱۲
 رجا علتی بود زنان را که پندارند که در شکم بار دارند..... ۲۱۳
 بیرون آمدن زهدان و کژ شدن و تری آمدن از وی..... ۲۱۴
 کودک افتادن و بادهایی که اندر زهدان باشد..... ۲۱۵
 بار ناگرفتن و فرزند نامدن کز جهت مرد باشد یا زن..... ۲۱۶
 دشوار زادن و بیرون آوردن مشیمه و فرزند که در شکم بمیرد..... ۲۱۷
 آماس پستان کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۱۸
 درد پستان و شیر که اندر وی بیند..... ۲۱۹

یادکردن علتهای پشت و پای و ساق

درد پشت و میان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۲۰
 گوژی که به تازی وی را حدبه خوانند..... ۲۲۱
 عرق النساء آن باشد که از بیرون ران تا کعب درد کند..... ۲۲۲

داروهای کشنده گرم یا سرد که خورده باشد ۲۶۶

توضیحات تکمیلی جلد نخست ۲۶۷

کتاب دوم

در غذاها و داروهای مفرد ۲۷۱

ابدال ۳۶۱

در غذاها و داروهای مرکب ۳۶۷

نمایه ۴۹۱

فهرست‌ها

کسان، جای‌ها و کتاب‌ها ۵۷۵

ابزارهای پزشکی ۵۷۵

حیوانات ۵۷۶

بیماری‌ها ۵۷۷

داروها و غذاها ۵۸۱

اعضای بدن ۶۰۵

کلمات و ترکیبات اصطلاحات ۶۰۶

فهرست توضیحی اشخاص ۶۱۱

فهرست توضیحی جای‌ها ۶۱۷

فهرست توضیحی ابزارهای پزشکی ۶۱۹

منابع ۶۲۵

تب هر روز که از خشم بود یا از بیم و ترس ۲۴۶

تب هر روز کز بسیار خوردن بود یا از گرسنگی ۲۴۷

تب هر روز کز غم و اندوه باشد یا از رنج بسیار ۲۴۸

تب هر روز کز گرمای سخت باشد یا از سرمای سخت ۲۴۹

تب کز پس شکم رفتن بسیار بود یا از زکام و نزله ۲۵۰

تب کز بی‌خوابی باشد یا از آماسهای سخت ۲۵۱

تب غب از دو گونه باشد غب لازمه بود و نایبه ۲۵۲

تب مطبق کز گرمی باشد یا از سردی ۲۵۳

تب دائمه که او را محرقه خوانند و تب شطر الغب ۲۵۴

تب چهارم که از سودا یا از خلطی سوخته باشد ۲۵۵

تب پنجم و ششم و یازدهم روز که آید ۲۵۶

تب ویایی کز فساد هوا بود و تیبی کز پس بیماری‌ها باشد ۲۵۷

تب دق از سه گونه بود مبتدئه و ذبولی و مثلثه ۲۵۸

یادکردن خستگی‌ها و ریشهای تن و سوختگی‌ها و ریشهای

کهن

شکستگی سر و استخوان و زخم که بر اندامها افتد ۲۵۹

ریشی بلخی و ریشهای تازه و کهن ۲۶۰

سوختگی آتش و روغن جوشیده و آب گرم ۲۶۱

یادکردن زهرهای کشنده

مار گزیده و زنبور و کژدم و غنده ۲۶۲

گزیدن سگ دیوانه و غیر دیوانه ۲۶۳

داروهای کشنده گرم یا سرد که خورده باشد ۲۶۴

داروهای کشنده گرم یا سرد که خورده باشد ۲۶۵

پیشگفتار استاد دکتر محمد مهدی اصفهانی^۱

باسمه تعالی

طب سنتی ما، سرمایه‌ای بزرگ و ماندگار

در دنیایی که همه روزه، شاهد دستیابی بشر به بخش‌های ناشناخته‌ای از دانش و گشودن رازهای پنهان در عرصه‌های مختلف علوم و فنون، از جمله پزشکی هستیم، روی آوردن به میراث عظیم طب سنتی ما البته نه با اندیشه غفلت از نوآوری‌ها، بلکه همسو با بهره‌گیری از آخرین دستاوردها، و با نگاه بازخوانی و جستجو در تجارب چند هزار ساله، نه تنها واپس‌گرایی نیست، بلکه کوششی پر فایده در جهت ارتقای کیفی و کمی دست‌یافته‌ها و باز کردن گره‌های ناگشوده و حتی الهام بخش می‌باشد، با گذشت ایام اگر چه با اتکا به تحولات علمی، سخنان به ظاهر تازه‌ای مطرح می‌شود اما با اندکی ژرف‌نگری در یافته‌های گذشتگان، این باور نزد پژوهشگران آگاه و منصف تقویت می‌شود که چه بسیار نکته‌های شگفت‌انگیز در گنجینه میراث به جای مانده وجود دارد که اینک با بیانی متفاوت و تبیینی دیگر، با چهره‌ای نو و بدیع مطرح می‌شود.

گذشته از این، سرعت پیشرفت‌ها بر فاصله اندیشه‌های کل‌نگر و واقع‌گرا با این نو یافته‌های جزء نگر می‌افزاید تا جایی که برخی حقایق و واقعیت‌ها، به فراموشی سپرده می‌شود. چنانچه گاهی انسان، شتابان برای در هم شکستن حصارهای علمی در دوردست‌ها به پیش می‌تازد اما در همان حال از مشاهده آنچه در پیش پای اوست بی‌خبر و بی‌بهره می‌ماند. لذا جای تعجب نیست که طب سنتی ما در این زمان یعنی در عصر سرعت و فناوری، سال‌های آغازین هزاره سوم میلادی، بتواند همچنان حیات پر ثمر خویش را شاید با درخششی بیش از گذشته ادامه دهد و همزمان با همه پیشرفت‌های علمی، شاهد

۱. استاد دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران و سرپرست مرکز تحقیقات علوم قرآن، حدیث و طب

رویکرد جهانی به درمان‌های طبیعی از جمله بر اساس منابع غنی و فراوان طب سنتی ایرانی باشیم.

با اتکا به چنین پشتوانه و سرمایه‌ای است که به یاری پروردگار حکیم، بالاخره با مشارکت مستقیم شش دانشگاه بزرگ و تراز اول کشور، آموزش رسمی طب سنتی در سطح دکترای تخصصی (Ph. D) برای پزشکان فرهیخته که موفق به پشت سر گذاشتن آزمون‌های مکرر علمی شده‌اند پس از یک وقفه یکصد و پنجاه ساله، مجدداً آغاز شده و بدین ترتیب درهای بسته دانشگاه، دوباره به روی نوابغ و استادان بی‌همتا یا کم نظیری همچون رازی و ابن سینا، گشوده شده است و این بار کسانی به عنوان شاگرد در محضر استاد زانو می‌زنند که دانش آموخته نظام رسمی آموزشی کشور و به لحاظ قانونی واجد شرایط لازم برای ارائه خدمات پزشکی می‌باشند.

با صرفنظر از گزاره‌های استوار دینی که سرچشمه آغازین دانش پزشکی را در رهنمودهای وحیانی می‌داند^۲ و بر ثمره تلاش اندیشه و پژوهش آدمیان و جستجوی آنها در کتاب تکوین ارج می‌نهد^۳ و کتاب تشریح را همچنان، راهنمای بهره‌گیری و کاربرد بهینه از مجموعه یافته‌ها در جهت تأمین، حفظ، بازیابی و ارتقاء سلامت همسو با گرامی‌داشت جایگاه والای انسان بودن، می‌شناسد؛ واقعیتی انکارناپذیر وجود دارد که جای تأمل ژرف در آن است:

در زمان ما، در نگاه مکاتب مادی که تمام حیات آدمیان از لحظه لقاح تا باز ایستادن قلب و نفس، پس از چند دهه زیستن، محصور است و ناخشنودانه، دانش زمان خواسته یا ناخواسته بر چنین تفکری کوتاه‌نگر و محدود پایه‌گذاری شده است و به رغم همه پیشرفت‌های چشمگیر در شناختن روابط و قوانین حاکم بر خلقت و کامیابی در بازخوانی بخش‌هایی از کتاب تکوین، پروردگار حکیم و آفریننده این کتاب با همه پیدایی و ظهور و حضور، نادیده مانده است و در پی آن برای آدمی، هویتی صرفاً زیستی، روانی و اجتماعی و یا به تعبیر رایجشان Biopsychosocial شناخته شده است.

اما در مکاتب خداپاور که برای دیدن، هم از بصر و هم از بصیرت مدد گرفته می‌شود؛ شأن بسیار مهم و بلکه اهم حیات و هویت انسان یعنی روح و آفریننده آن، جاهلانه و

۲. اشاره به آنچه که در باب چهل و چهارم کتاب اعتقادات شیخ صدوق (ره) با تذیل عالمانه شیخ مفید (ره) آمده

است.

۳. همان

غافلانه نادیده نمی‌ماند. به عبارت دیگر، آدمی در این نگرش، هویتی روحی، زیستی، روانی و اجتماعی (Spritobiopsychosocial) دارد و دامنه حیات او نه فقط تا لحظه توقف کنش‌ها و واکنش‌های زیستی، بلکه تا بی‌نهایت امتداد می‌یابد.

این گونه نگاه کردن به انسان برکات بسیاری دارد که کمینه یافته آن، شناخت موجودی است در کمال استواء خلقت با ویژگی‌هایی روحانی و مادی و تحت تدبیر حکیمانه حکیم علی‌الاطلاق و در نهایت ارزشمندی که غایت مقصود خلقت عالم کون و فساد می‌باشد^۴. در این تدبیر حکیمانه، امانتی بسیار ثمین به نام فطرت^۵ و سامانه‌ای هوشمند به نام قوه مدبره در وجود آدمی به ودیعه نهاده شده است.

آگاهی از این دو ودیعه، آثار شگرفی در چگونگی طراحی نقشه راه زندگی دست کم از آغاز حیات مادی تا بیکرانه حیات معنوی در پی دارد.

به عنوان مثال به هنگام رویارویی با واکنش‌هایی همچون تب، اسهال، قی، عطسه، سرفه، تعریق، حبس و استفراغ که نزد انسان ممکن است ظاهر گردد، اگر در یک جا با اندیشه‌ای عجولانه، تهاجمی و با سلاحی از پیش آماده شده با این واکنش‌ها روبرو می‌شوند اما در طب سنتی با اعتقاد به قوه مدبره (یا طبیعت انسان) با پاسخی متفاوت یعنی با نگاهی بر پایه حکمت^۶ و تدبیری منطقی، آرام، مهربان و با اندیشه همکاری و یاری‌رسانی به سامانه هوشمند ذکر شده (یعنی قوه مدبره) وارد عرصه تکامل می‌شوند و به گمان ما، این یکی از مهمترین نکاتی است که دانش روز دیر یا زود ناگزیر به استفاده از آن و اصلاح نگرش و عملکرد خود با بازخوانی مفهوم و دامنه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هویت و طبیعت انسان خواهد بود.

به هر حال، بی‌آنکه بخواهیم با بزرگنمایی اندیشه‌های کهن و دست‌یافته‌ها و تجارب گذشتگان، و احیاناً نادیده گرفتن کارهای عظیم و تخطئه محصول تلاش علمی و تجربی بسیار ارزشمند زمان، برخوردی بی‌مایه و یکسونگر در موضوع بسیار مهمی همچون دانش پزشکی داشته باشیم، بر این باور، به کرات تأکید می‌کنیم که بهره‌گیری قانونمند و متناسب با زمان از میراث بزرگ علمی و تجربی طب سنتی ما، کاری کاملاً عاقلانه و واقع‌گرایانه

۴. اشاره به حدیث قدسی خلقت الاشياء لاجلک و خلقتک لاجلی (کتاب الجواهر السنیه، صفحه ۳۶۱)

۵. اشاره به آیه ۳۰ سوره روم

۶. حکمت در کتاب مفردات راغب اصفهانی، اصابه الحق بالعقل و العلم معنا شده است.

است و طبیعی است مجموعه منابع به جای مانده از گذشتگان ما، هر کدام در جایگاه و تراز خود، برای تأمین چنین هدفی، ارزشمند و قابل بهره‌برداری است به ویژه اگر منابع پیشگفت، مستند و به زبانی دور از تکلف غیر ضروری نگارش یافته باشند.

کتاب حاضر؛ «کفایة الطّب» که حدود ۹ قرن از تألیف آن می‌گذرد و به زبان شیوای فارسی نگارش یافته است، به شیوه‌ای محققانه در یک تلاشی ستودنی و مثال زدنی به دست سرکار خانم دکتر زهرا پارساپور، تصحیح، تکمیل، تزییل و بازنویسی شده است. این اثر هم به لحاظ محتوا و مآخذ آن و هم به لحاظ شیوه احیا و عرضه مجدد آن، نمونه‌ای ممتاز و قابل تأسی است و انتظار می‌رود ورود این اثر ارزشمند به عرصه انشا با چنین ویژگی‌ها، گذشته از استقبال شایسته دانشجویان و پژوهشگران طب سنتی، برای محققین تاریخ پزشکی، ادبیات فارسی و شاخه‌های مختلف علوم انسانی نیز پر فایده باشد و حتی فراتر از این با تجدید حیات مؤلف اثر، همزمان با تجدید حیات اثر او، بتوان به‌گونه‌ای سزاوار، از این کتاب در جهت تحکیم روابط دوستانه میان ایران و ملل همسایه در قالبی متناسب استفاده نمود.

دکتر محمد مهدی اصفهانی

مهرماه ۱۳۸۹

بیش از پنج دهه از نخستین گام‌های پژوهشگران ما در راه احیاء و تصحیح متون کهن پارسی به شیوه علمی می‌گذرد. طی این مدت با صبوری و دانش خویش گرد و غبار زمان را از چهره بسیاری از آثار ارزشمند کهن ما زدودند و آنها را در معرض دید محققان و دانش‌دوستان قرار دادند. ضمن پاسداشت تمام تلاش‌هایی که در این عرصه صورت گرفته است به نظر می‌رسد که در انتخاب آثار کهن به نگاهی جامع‌تر و گزینشی شامل تراز گذشته نیازمندیم. با مروری بر عناوین کتاب‌هایی که تا کنون تصحیح شده‌اند، به راحتی می‌توان دریافت که حوزه موضوعی این کتاب‌ها بسیار محدودتر از حوزه موضوعی آثار برجسته نیاکان ماست. برای مثال در یک بررسی اجمالی، از مجموع سی و پنج کتاب تصحیح شده، بیست و هشت اثر در حوزه ادبیات و عرفان و دین، شش اثر در زمینه تاریخ و تنها یک اثر در موضوع طب بوده است. این امر بر حاکم بودن ذوق و سلیقه خاص در انتخاب کتاب‌ها دلالت دارد و ناشی از آن است که غالب مصححان ما اهل ادب و عرفان و دین‌اند و ترجیح می‌دهند آثاری که به حوزه تخصصی آنها مربوط می‌شود، برگزینند. عدم تسلط به اطلاعات و اصطلاحات و محتوای متن، کار تصحیح را برای مصحح محتاط و دقیق، دشوار می‌کند. برای نمونه مصحح توانمندی چون ایرج افشار در تصحیح ذخیره خوارزمشاهی پس از روبرو شدن با این دشواری تنها به تصحیح جلد اول آن بسنده می‌کند. از سویی بی‌توجهی به این حوزه نیز می‌تواند نتایج زیانباری به همراه داشته باشد. مهجور ماندن دستاوردهای فکری گذشتگان در زمینه علوم عقلی و علوم تجربی و عدم آشنایی نسل امروز و نسل‌های آینده با میراث ارزشمند آنها از جمله پیامدهای این بی‌توجهی است.

با کمال تأسف امروزه بعضی از آثار علمی ما که به زبان‌های دیگر ترجمه شده و سال‌ها در مراکز علمی دیگر کشورها تدریس و یا مطالعه می‌شود، هنوز در داخل کشور تصحیح نشده و در اختیار اهل علم قرار نگرفته است. از سوی دیگر بعضی از آثار علمی ایرانیان که

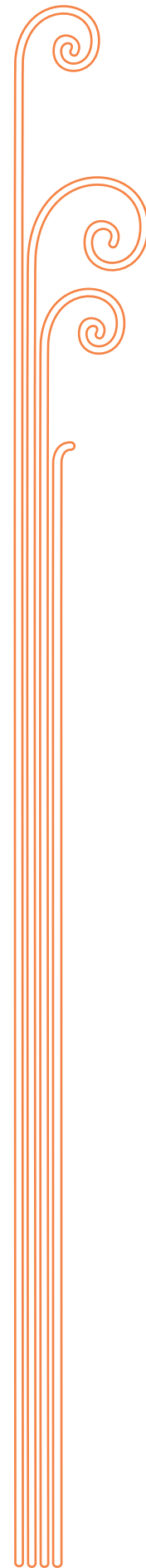
به زبان عربی تألیف شده، هنوز به فارسی ترجمه نگردیده و مهجور است؛ در حالی که در کشورهای عربی این آثار تصحیح شده و در اختیار همگان قرار گرفته است. برای مثال به بعضی از آثار بوعلی سینا، زکریای رازی و خیام می‌توان اشاره کرد. این غفلت از جانب ما ایرانیان با جسارت دیگران در انتساب این آثار در موسوعه‌ها و فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌ها به ملت و نژاد خویش همراه شده است.

در پی پیشنهاد تصحیح و چاپ این کتاب از سوی استاد ایرج افشار به مرکز تاریخ و اخلاق پزشکی ایران، نسخه‌ای از این کتاب در اختیار این جانب قرار گرفت. بعد از تأیید پژوهشگاه نسخه‌های متعدد این کتاب را در کتابخانه‌های مختلف یافتیم و پس از بررسی، قدیمی‌ترین و کامل‌ترین نسخه را که متعلق به کتابخانه فرهاد معتمد بود، نسخه اساس قرار دادیم. عدم آشنایی اغلب کاتبان با مقولات طب سنتی، نادرستی‌هایی را در ضبط کلمات به خصوص اسامی خاص داروها و بیماری‌ها در نسخ مختلف بوجود آورده بود. از سوی دیگر تحولات زبانی که در طی چهار قرن فاصله زمانی میان قدیمی‌ترین نسخه و نسخه متأخر روی داده بود، کار تصحیح و مقابله را با حساسیت و دشواری خاصی همراه ساخت. در این مقابله، مصحح خود را موظف می‌دید که هم صحت کتاب از بعد علمی حفظ شود و هم جنبه‌های ادبی کتاب لحاظ شود؛ به گونه‌ای که نه ویژگی‌های سبک‌شناسی و رسم‌الخط قدیمی کتاب قربانی روانی و صحت مطالب شود و نه وفاداری به متن اصلی از صحت مطالب و سهولت استفاده از این کتاب بکاهد. باید اعتراف کنم که جرأت و جسارت آغازین مصحح در پذیرش این طرح آنهم به شکل انفرادی بیشتر ناشی از آشنا نبودن با مخاطرات و سختی‌های راه بود. در این راه هر چند عامل به حکمت «اول الفکر آخر العمل» نبودم اما به یاری و مساعدت استاد بزرگوار که حکمت «اصبت فالزم» را به من آموخت، پشتگرم شدم. استاد طب و اخلاق دکتر محمد مهدی اصفهانی که به حق در زمینه طب سنتی از نوادر دوران هستند، با مطالعه واژه به واژه این متن مقابله شده و تدریس الفبا و مبانی طب سنتی به این جانب، با جدیت و تعهدی بی‌نظیر تصحیح این کتاب را امکان‌پذیر ساختند؛ به گونه‌ای که به برکت نظارت ایشان، امروز کفایه الطب جزو معدود کتاب‌های پزشکی ماست که در تصحیح آن هم بعد ادبی و هم بعد طبی آن لحاظ شده است. از استاد بزرگوار و فاضلم جناب آقای دکتر پورنامداریان که صمیمانه پاسخ‌گوی سؤالات این جانب بودند تشکر می‌کنم. نیز از جناب آقای مهدی مداینی که در آغاز تصحیح توصیه‌های لازم را به من نمودند،

سپاسگزارم. مراحل تایپ و صفحه‌آرایی و ویرایش این کتاب بسیار پر پیچ و خم‌تر از معمول بود. تبدیل فایل تایپ شده این کتاب از سیستم زرنگار به Word و سپس صفحه‌آرایی آن با نرم‌افزار InDesign مشکلات و سختی‌های بسیاری را با خود همراه داشت؛ به خصوص این که تلاش می‌شد صورت اصلی کتاب و حتی رنگ و نوع خطوط حفظ شود. انتخاب فونت «دوات» برای این کتاب در راستای همین هدف بود؛ چرا که به خطی که نسخه اصلی یعنی نسخه A با آن کتابت شده بود، نزدیک بود. همین‌طور درج مطالب در جداول و انتخاب رنگ زعفرانی برای عنوانین، تلاشی در جهت حفظ صورت اصلی کتاب بود. وظیفه خود می‌دانم از خانم خوری، آقای محمدی و آقای اینانلو که با تخصص خویش در این عرصه مرا یاری نمودند و نیز دوست خوبم خانم صابری، تشکر ویژه داشته باشم. چاپ این کتاب به شکل مطلوب مرهون لطف و همیاری مسئول آگاه و متعهد انتشارات پژوهشگاه، جناب آقای زعفرانچی است. برآستی که حضور ایشان در پایان این راه سخت برای این جانب در رسیدن به نتیجه دلخواه نعمتی بود. امیدوارم این کتاب ارزشمند جایگاه شایسته خود را در میان محققان و دانشجویان در داخل و خارج کشور، بویژه دانشکده‌های طب سنتی پیدا کند.

وعلیه توکلی

زهرا پارساپور



مقدمه چاپ دوم

بسمه تعالی

خوشبختانه چاپ اول کفایه الطب توانست مورد استفاده اهل فضل قرار گیرد و در تحقیقات طبی و ادبی به کار آید. در چاپ دوم این اثر تلاش شد بعضی از اشکالات موجود در چاپ اول مرتفع گردد.

شایسته است از جناب آقای برهان حسینی و همکاران ارجمندشان در مؤسسه شفای کردستان و نیز محقق ارجمند جناب آقای سید حسین رضوی برقی که با دقت فراوان، نکات ارزشمندی را در جهت اصلاح چاپ قبلی به این جانب متذکر شدند کمال تشکر و قدردانی را دارم و توفیقات بیشتر برای آن بزرگواران آرزومندم.

بار دیگر از استاد وارسته و زاهد کم نظیر جناب آقای دکتر محمد مهدی اصفهانی یاد می‌کنم. دریغا که از فیض وجودشان محروم شدیم. خدایش رحمت کناد. روحش شاد و نامش ماندگار باد.

و علیه توکلی

پارساپور